



مقدمه‌ای بر مبانی نظری ترجمه ویژه دانشجویان رشته زبان روسی

تالیف ترجمه:

شهر ابراهیم شریفی

عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان



- سرشناسه : ابراهیم شریفی، شلیر، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور : مقدمه‌ای بر مبانی نظری ترجمه: ویژه دانشجویان رشته زبان روسی/ تألیف ترجمه شلیر ابراهیم شریفی
مشخصات نشر : اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری : د، ۱۰۶ ص.: مصور (بخشی رنگی)
فروست : انتشارات دانشگاه اصفهان؛ ۷۸۶.
شابک : 978-600-110-254-7
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت : زبان: فارسی - روسی
یادداشت : کتابنامه: ص. ۹۳ - ۹۴
یادداشت : واژه‌نامه
موضوع : زبان روسی -- راهنمای آموزشی (عالی)
Russian language -- Study and teaching (Higher)
زبان روسی -- راهنمای آموزشی -- فارسی‌زبانان
Russian language -- Study and teaching -- Persian speakers
شناسه افزوده : دانشگاه اصفهان
شناسه افزوده : University of Isfahan
رده بندی کنگره : PG ۲۰۶۵
رده بندی دیوئی : ۴۹۱/۷۰۰۷ فا
شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۱۲۱۳۷۳

- عنوان کتاب: مقدمه‌ای بر مبانی نظری ترجمه: ویژه دانشجویان رشته زبان روسی
تألیف ترجمه: شلیر ابراهیم شریفی
ویراستار ادبی: زهره طاهری اندانی
ناشر: دانشگاه اصفهان
نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰
ناظر فنی: رضا نیکبخت
چاپ و صحافی: دانشگاه اصفهان
قیمت: ۲/۰۰/۰۰۰ ریال



تمامی حقوق نشر برای ناشر محفوظ است

مراکز فروش کتاب

اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپخانه دانشگاه، تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۱۸۵ و ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۹۲
پست الکترونیکی: press@res.ui.ac.ir فروش الکترونیکی کتاب: <https://press.ui.ac.ir>
- میدان آزادی، خیابان دانشگاه، فروشگاه کتاب دانشگاه اصفهان تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۶۸
تهران: میدان انقلاب، خیابان شهید لبافی‌نژاد، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۳۸
مؤسسه کتابیران، مرکز پخش کتاب‌های دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۴۴۰۹ و ۰۲۱-۶۶۴۱۱۱۷۳

مقدمه

آموزش زبان روسی در ایران قدمت زیادی دارد و سرعت گسترش آن در دهه اخیر رشدی چشمگیر داشته است. متأسفانه، روند تدوین کتاب‌های آموزشی با نیازهای دانشجویان این رشته، میزان استقبال از آن و به تبع آن، نیازهای پیش روی بازار کار تناسبی ندارد. البته، در چند سال اخیر، کتاب‌هایی از شمند از سوی ناشران دانشگاهی داخلی در موضوع‌های مختلف درسی چاپ شده‌اند، اما این حوزه همچنان نیازمند توجه ویژه است. با وجود شمار زیاد واحدهای درسی اختصاص یافته به انواع ترجمه در سرفصل دروس کارشناسی زبان روسی و وجود دو واحد مجزا تحت عنوان «اصول و روش‌های ترجمه» که پیش‌نیاز تمام واحدهای ترجمه است، یکی از خلأهای آموزشی مهم عدم وجود یک منبع درسی مشخص برای این درس است. ترجمه از کهن‌ترین فعالیت‌های بشر است، ماهیتی متناقض دارد و برای انجام یک ترجمه باکیفیت صرفاً دانستن دو زبان کفایت نمی‌کند، بلکه باید نسبت به قواعد حاکم بر این فرایند پیچیده آگاه بود. امروزه که علم مطالعات ترجمه در شناخت این فرایند قدم‌هایی ارزشمند برداشته است، آیا دیگر مجاز هستیم برای آموزش دانشجویان سراغ روش‌های قدیمی و تجربیات شخصی برویم؟ اصولاً بدون در نظر گرفتن مبانی نظری، آموزش ترجمه امری سلیقه‌ای و بدون مرزهای مشخص خواهد بود و برعکس، آموزش مبانی پذیرفته‌شده و استفاده از تجربیات بهترین مترجمان و پژوهشگرانی که مواضع نظری خود را مشخص کرده‌اند، این امکان را میسر می‌کند تا مترجمان نوپا برای تحلیل آثار ترجمه‌شده دیگران به استدلال‌های علمی رجوع و با تحلیل فعالیت‌های عملی خود بر مبنای این اصول، خود نیز در این حرفه رشد کنند.

هدف این کتاب معرفی مبانی نظری ترجمه به دانشجویان رشته زبان روسی، بررسی ابعاد مختلف ترجمه و آماده‌سازی دانشجویان برای کاربرد آگاهانه این مبانی در تجربیات عملی

ترجمه، آشنایی با چالش‌های احتمالی که در جریان ترجمه بروز می‌کنند و یافتن راه‌حل غلبه بر آنهاست. آموزش مبانی نظری ترجمه بخشی مهم از فرایند آموزش و یادگیری دانشجویان رشته مترجمی زبان‌های خارجی است. اگرچه کتاب‌هایی تحت عنوان «مبانی نظری ترجمه» به زبان فارسی موجود هستند، این کتاب‌ها به‌هیچ‌وجه پاسخگوی نیاز دانشجویان رشته زبان روسی نیستند؛ زیرا معمولاً با بیان مثال‌هایی از زبان انگلیسی (بعضاً عربی و فرانسه) مطالب را توضیح داده‌اند. اساس نگارش کتاب حاضر زبان فارسی است؛ از این رو، مطالعه بخش‌های فارسی آن به‌تنهایی پاسخگوی نیاز مخاطبان است. هدف اصلی کتاب آشناسازی مقدماتی دانشجویان رشته زبان روسی با نگاه به «مطالعات ترجمه» در روسیه و مفاهیم کلیدی و آرای صاحب‌نظران این حوزه است. در هر درس، بخشی کوتاه از مطالب به زبان روسی گنجانده شده است. بخش روسی عمدتاً شامل تعاریف یا توضیحات کلی درباره موضوع درس مربوط است و ترجمه آن نیز در زیر همان بخش با قلم مورب (ایتالیک) جدا شده است. مطالعه این مطالب به زبان روسی و ترجمه فارسی آنها این امکان را فراهم می‌کند تا دانشجویان با اصطلاحات تخصصی حوزه مطالعات ترجمه در زبان روسی نیز آشنا شوند، دامنه لغات خود را افزایش دهند و حتی با مقایسه ترجمه فارسی با بخش روسی نسبت به نحوه برگردان متن روسی استدلال و اظهار نظر کنند. در کتاب حاضر، علاوه بر توضیحات نظری در حوزه‌های مختلف برای درک بهتر، نمونه‌هایی از روسی و فارسی ارائه شده‌اند و در پایان هر درس هم تمرین‌هایی برای خودآزمایی گنجانده شده‌اند.

اولین گام‌های زبان‌شناسان روس در توجه ویژه به ترجمه‌شناسی به آندری فئودورف^۱ (۱۹۹۷-۱۹۰۶) در سال‌های ۱۹۳۰ برمی‌گردد. بعد از آن، چه‌هایی مانند یاکوف رتسکر^۲ (۱۹۸۴-۱۸۹۷)، لئونید بارخودارف^۳ (۱۹۸۵-۱۹۲۳)، الکساندر شویتسر^۴ (۲۰۰۲-۱۹۲۳) و ویلن کامیسارف^۵ (۲۰۰۵-۱۹۲۴) به صورت جدی در این حوزه فعالیت داشته‌اند و آثاری ارزشمند از خود به‌جا گذاشته‌اند. مبنای تدوین این کتاب و چینش موضوع‌های تحت بررسی الگوبرداری از جدیدترین کتاب‌های آموزشی روسی است که در دانشگاه‌های روسیه برای دانشجویان رشته‌های زبان‌شناسی و مترجمی بر مبنای نظریه‌های کامیسارف، بارخودارف و رتسکر در حوزه مطالعات ترجمه تدوین شده‌اند. کتاب حاضر مشتمل بر ۱۶ درس و ۲ پیوست و واژه‌نامه است. درس اول تعریف ترجمه از دید زبان‌شناسان روس را ارائه

^۱ Андрей Венедиктович Фёдоров

^۲ Яков Иосифович Ретцер

^۳ Леонид Степанович Бархударов

^۴ Александр Давидович Швейцер

^۵ Вилен Наумович Комиссаров

می‌دهد و درباره اصل تأثیر برابر نیز توضیحاتی را بیان می‌کند. درس دوم به موضوع ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری در تاریخ ترجمه اشاره می‌کند. در درس سوم، انواع ترجمه و مشخصات آنها بر اساس معیارهای موجود بیان می‌شوند. درس چهارم مفهوم کلیدی واحد ترجمه را بررسی می‌کند. در درس پنجم، تقسیم‌بندی واژگان بر اساس معنای لغوی مطرح می‌شود. در درس ششم، انواع بافت توضیح داده می‌شوند. در درس هفتم، بحث تعادل ترجمه‌ای مطرح می‌شود. درس هشتم به روش‌های ترجمه واحدهای لغوی اشاره می‌کند و در درس‌های نهم و دهم، انواع تبدیل‌های واژگانی و دستوری معرفی می‌شوند. درس یازدهم به انواع واژگان بدون معادل ترجمه‌ای و ماهیت آنها اشاره می‌کند و در ادامه همین بحث در درس‌های دوازدهم و سیزدهم، موضوع رئال‌ها، طبقه‌بندی آنها و چگونگی ترجمه آنها مطرح می‌شود. درس چهاردهم نحوه ترجمه ضرب‌المثل‌ها به عنوان یک بحث پرکاربرد به ویژه در ترجمه ادبی را بررسی می‌کند. دروس پانزدهم و شانزدهم مباحث کمتر مطرح‌شده در مباحث ترجمه مانند دوستان دروغین مترجم و سازمان عناصر آشنا-ناآشنای جمله را بیان می‌کنند و پس از آن، دو بخش برگردان علائم نگارشی و معرفی انواع فرهنگ لغت که طبق تجربه نگارنده جزو مباحث مغفول اما لازم در کلاس‌های ترجمه هستند، برای آشنایی بیشتر مطرح شده‌اند. فهرست منابع و واژه‌نامه فارسی به روسی و روسی به فارسی اصطلاحات تخصصی نیز در انتهای کتاب جای گرفته است. گفتنی است، هر کدام از مباحث مطرح‌شده در کتاب به صورت خلاصه اهم مطالب مربوط به آن موضوع خاص را بیان می‌کند و لازم است علاقه‌مندان در صورت نیاز برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع‌ها به منابع موجود مراجعه کنند که تعدادی از آنها در بخش فهرست منابع در انتهای کتاب بیان شده‌اند.

امید است این تلاش کوچک مورد استفاده دانشجویان قرار گیرد و در ادامه، با راهنمایی‌های اساتید محترم فن، تصحیح و کامل شود. صمیمانه پذیرای نقدهای خوانندگان گرامی، پیشنهادها و به ویژه نمونه‌های برگرفته از تجربیات ایشان در ترجمه بین فارسی و روسی در رابطه با موضوع‌های مختلف مطرح‌شده در کتاب هستیم.

شهر ابراهیم شریفی

sh.sharifi@fhn.ui.ac.ir

انتشارات دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

عنوان.....	شماره صفحه.....
درس اول: تعریف ترجمه	۱
درس دوم: موضوع ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری در تاریخ ترجمه	۷
درس سوم: انواع ترجمه	۱۵
درس چهارم: واحد ترجمه	۲۱
درس پنجم: تقسیم‌بندی واژگان بر اساس معنای لغوی	۲۷
درس ششم: بافت	۳۱
درس هفتم: تعادل در ترجمه	۳۷
درس هشتم: روش‌های ترجمه واحدسازی لغوی	۴۵
درس نهم: تبدیل‌های واژگانی در ترجمه	۴۹
درس دهم: تبدیل‌های دستوری در ترجمه	۵۷
درس یازدهم: واژگان بدون معادل ترجمه‌ای	۶۳
درس دوازدهم: رئال‌ها و طبقه‌بندی آنها	۶۷
درس سیزدهم: روش‌های ترجمه رئال‌ها	۷۳
درس چهاردهم: روش ترجمه ضرب‌المثل‌ها	۷۷
درس پانزدهم: دوستان دروغین مترجم	۸۱
درس شانزدهم: سازمان عناصر آشنا-ناآشنای جمله	۸۵
پیوست ۱: ترجمه علائم نگارشی	۸۹
پیوست ۲: معرفی انواع فرهنگ‌های لغت موجود در زبان روسی	۹۱
منابع	۹۳
واژه‌نامه فارسی به روسی	۹۵
واژه‌نامه روسی به فارسی	۱۰۱

انتشارات دانشگاه اصفهان

درس اول

تعریف ترجمه

Понятие перевода

هدف کلی

آشنایی دانشجویان با تعریف ترجمه از نگاه نظریه پردازان روس و سیر تحول رویکرد آنها در تعریف ترجمه و همچنین، اهمیت اصل تأثیر برابر به عنوان عامل کلیدی در موفقیت ترجمه. ترجمه یکی از کهن‌ترین گونه‌های فعالیت بشر است و ریشه آن به نیاز ارتباطی جوامع مختلف و اولین کسانی برمی‌گردد که با دانستن چندین زبان حلقه ارتباط این جوامع بودند. این فعالیت تا به امروز تحولات زیادی را در حیطه نظری و کاربردی تجربه کرده است. در حال حاضر، ترجمه موضوع اصلی علم «مطالعات ترجمه»^۱ است. مطالعات ترجمه شاخه‌ای است که ابتدا مسیرش را از علم زبان‌شناسی آغاز کرد و در سال ۱۹۷۱ رشته‌ای مستقل شد. مطالعات ترجمه نظریه‌های ترجمه و جنبه‌های شناختی و کاربردی انواع گونه‌های آن را به مثابه یک مقوله زبانی به طور نظام‌مند مطالعه می‌کنند. در کتاب‌های مربوط به مطالعات ترجمه در زبان‌شناسی روسی، اصطلاح «ترجمه‌شناسی»^۲ نیز به کار می‌رود. این دو اصطلاح در مفهوم عام خود در تقابل با هم قرار دارند، زیرا مطالعات ترجمه جنبه‌های نظری ترجمه را بررسی و مطالعه می‌کنند و برعکس، ترجمه‌شناسی همه آنچه به جنبه عملی و کاربردی ترجمه مربوط است را پوشش می‌دهد؛ اما می‌توان گفت با توجه به اینکه ترجمه‌شناسی بر مبنای یافته‌های نظری مطالعات ترجمه جنبه‌های عملی و کاربردی ترجمه را بررسی می‌کند، در مفهوم ویژه خود بخشی از آن به شمار می‌آید.

^۱ теория перевода

^۲ переводоведение

در رابطه با ترجمه تعاریفی متعدد وجود دارند که هر کدام از زوایای مختلف و با تأکید بر یک جنبه ویژه حائز اهمیت در ترجمه، آن را توصیف کرده‌اند. در این بخش، آرای سه نظریه‌پرداز مطرح روس در این حوزه را بیان خواهیم کرد.

رتسکر از جمله زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان مشهور حوزه ترجمه در شوروی بود که برای اولین بار نظریه «مطابقت‌های نظام‌مند»^۱ را در رابطه با ترجمه مطرح کرد و با انتشار کتاب «Теория перевода и переводческая практика» در سال ۱۹۷۴، بر سیر مطالعات ترجمه در شوروی بسیار اثر گذاشت. این نظریه بر این ایده استوار است که در ترجمه، قوانینی مشخص وجود دارند که دستیابی به برابری بین متن مبدأ و متن مقصد را ممکن می‌کنند. او معتقد بود ترجمه نه یک هنر، بلکه فرایندی است که از قوانین زبانی ویژه‌ای پیروی می‌کند. او سه نوع مطابقت را بین واحدهای زبانی در متن مبدأ و مقصد شناسایی کرد: ۱- معادل‌ها یا مطابق‌های ثابت؛ ۲- مطالبی‌های متغیر؛ ۳- تبدیل‌های ترجمه. او در کتاب یادشده درباره تعریف ترجمه و رسالت مترجم می‌نویسد:

Задача переводчика — передать средствами другого языка целостно и точно содержание подлинника, сохранив его стилистические и экспрессивные особенности. Под «целостностью» перевода надо понимать единство формы и содержания на новой языковой основе. Если критерием точности перевода является тождество информации, сообщаемой на разных языках, то целостным (полноценным или адекватным) можно признать лишь такой перевод, который передает эту информацию равноценными средствами. Иначе говоря, в отличие от пересказа, перевод должен передавать не только то, что выражено подлинником, но и так, как это выражено в нем. Это требование относится как ко всему переводу данного текста в целом, так и к отдельным его частям (Рецкер, 2007, p. 10).

مترجم موظف است هم‌زمان با حفظ مشخصه‌های سبکی و زیبایی‌شناختی متن اصلی، محتوای آن را به صورت دقیق و کامل به کمک ابزارهای موجود در زبان مقصد منتقل کند. منظور از «کامل» بودن ترجمه، هماهنگی فرم و محتوا در زبان مقصد است. اگر معیار «دقیق» بودن ترجمه یکسان بودن اطلاعاتی است که در دو متن مبدأ و مقصد وجود دارد، می‌توان گفت ترجمه‌ای کامل (جامع و متناسب)

^۱ теория закономерных соответствий

شمرده می‌شود که این اطلاعات را با ابزارها و روش‌های یکسان و برابر منتقل کرده باشد. در ترجمه برخلاف بازگویی «пересказ» نه فقط باید آنچه در متن اصلی گفته شده به زبان مقصد منتقل شود، بلکه باید «چگونگی بیان آن در متن اصلی» نیز به زبان مقصد منتقل شود. این اصل ضروری باید هم در رابطه با ترجمه کل متن و هم در رابطه با ترجمه تک‌تک بخش‌های آن رعایت شود.

در مراحل اولیه توسعه مطالعات ترجمه، رویکرد صرفاً زبانی یا متن‌محور به ترجمه غالب بوده است. در این رویکرد، ترجمه به عنوان یک فرایند در نظر گرفته می‌شود و رسالت مترجم اعمال یک‌سری تغییرات زبانی برای تبدیل متن از یک زبان به زبان دیگر است. بارخودارف (۱۹۷۵) از جمله نظریه‌پردازان حوزه ترجمه است که با تأثیر از آموزه‌های رتسکر و بر مبنای این رویکرد، ترجمه را تعریف کرده است:

«Перевод – процесс преобразования речевого произведения (текста) на одном языке в речевое произведение на другом языке при сохранении неизменного плана содержания. Значит, при переводе происходит замена единиц плана выражения, т. е. единиц языка, но сохраняется неизменным план содержания, т. е. передаваемая текстом информация» (Бархударов, 1975, p. 11).

ترجمه عبارت است از فرایند تبدیل (بازسازی) متن از یک زبان به زبان دیگر با حفظ محتوای آن بدون هرگونه تغییر. به عبارت دیگر در ترجمه تغییرات فقط در سطح ابزارهای بیانی یعنی عناصر زبانی رخ می‌دهند و سطح محتوا، یعنی اطلاعاتی که توسط متن ارائه می‌شود بدون تغییر باقی می‌ماند.

با پیشرفت مطالعات ترجمه، دیدگاه‌هایی متفاوت با در نظر گرفتن هدف یا رویکرد ترجمه ارائه شدند که از آن جمله رویکرد ارتباطی به ترجمه است. در این رویکرد، ترجمه به عنوان محصول در نظر گرفته می‌شود و تمرکز اصلی بر محصول نهایی کار ترجمه است. یوجین نایدا^۱ که از وی به عنوان پدر علم ترجمه یاد می‌شود، برای اولین بار اصطلاح «معادل پویا»^۲ و «اصل تأثیر برابر»^۳ را مطرح کرد که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم. کامیسارف (۱۹۹۰) بر مبنای رویکرد ارتباطی و اهمیت دستیابی به معادل پویا، تعریف زیر را از ترجمه ارائه داد:

^۱ Юджин Найда

^۲ динамическая эквивалентность

^۳ Концепция коммуникативной равноценности

«Перевод – это вид языкового посредничества, при котором на переводящем языке (ПЯ) создается текст, коммуникативно равноценный оригиналу, причем его коммуникативная равноценность проявляется в его отождествлении рецепторами перевода с оригиналом в функциональном, содержательном и структурном отношении» (Комиссаров, 1990, pp. 44-45).

ترجمه نوعی فعالیت بین‌زبانی است که در جریان آن متنی که به لحاظ اثرگذاری ارتباطی با متن اصلی برابر است به زبان مقصد (ترجمه‌شده) ساخته می‌شود. اثرگذاری ارتباطی برابر زمانی به وجود می‌آید که مخاطبان متن ترجمه‌شده در روابط نقشی، معنایی و ساختاری تأثیر برابر با خوانندگان متن اصلی را تجربه کنند.

اصل تأثیر برابر

همان‌طور که اشاره شد، یوجین نایدا برای اولین بار مفهوم «اصل تأثیر برابر» و اهمیت آن در ترجمه را مطرح کرد (کامیسارف، ۱۹۹۹ الف). در این اصل، تمرکز بر دو محور «معادل‌های پویا» و «خواننده متنی مقصد» است. طبق این اصل، اثر ترجمه‌شده باید همان تأثیری که متن اصلی بر خوانندگان زبان مبدأ گذاشته است را بر خوانندگان زبان مقصد بگذارد و برای مشاهده چنین واکنشی در مخاطب لازم است در جریان ترجمه معادل‌های پویا و نه صوری انتخاب شوند.

کامیسارف (۱۹۹۰) در تعریفی که از ترجمه ارائه می‌دهد، تنها معیار ترجمه را ساخت «متون برابر به لحاظ ارتباطی» می‌داند. طبق این معیار، ترجمه‌ای مطلوب شمرده می‌شود که ماحصل آن هم به لحاظ نقشی، هم محتوایی و هم ساختاری، نداننده جایگزین تمام و کمال متن اصلی باشد تا بتواند همان تأثیری را که متن اصلی بر خوانندگان زبان مبدأ گذاشته است بر خوانندگان زبان مقصد بگذارد. وی متون برابر به لحاظ ارتباطی را این‌گونه توضیح می‌دهد:

Коммуникативно равноценные тексты являются формами существования одного и того же сообщения и объединяются воедино (отождествляются) в процессе коммуникации (Комиссаров, 1990, p. 247).

متون برابر به لحاظ ارتباطی به متونی اطلاق می‌شوند که صورت‌های موجود یک گزاره یا خبر هستند و در فرایند برقراری ارتباط، عملکردی کاملاً یکسان (برابر) دارند.

با در نظر گرفتن این تعریف، می‌توان گفت آنچه تحت عنوان اضافه کردن برخی از واژگان به متن یا پانویست (برای انتقال اطلاعات ضمنی) در متون ترجمه‌شده مشاهده می‌شود تلاشی است که از سوی مترجمان برای دستیابی به متون برابر به لحاظ ارتباطی انجام می‌شود.

КОНТРОЛЬНЫЕ ВОПРОСЫ

1. Что такое «перевод»?
2. При каких условиях проявляется коммуникативная равноценность текста оригинала и текста перевода по Комиссарову В.Н.?
3. Что происходит при переводе по мнению Бархударова Л.С.?
4. Как можно объяснить термин «коммуникативно равноценные тексты»?
5. Переводите нижеследующее предложение на персидский. Старайтесь образовать коммуникативно равноценный текст и объясните каким образом вы добились этого:
“Фамилия директора была Мешков, и почему-то казалось, что странная фамилия происходит от мешков у него под глазами”

انتشارات دانشگاه اصفهان

درس دوم

موضوع ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری در تاریخ ترجمه

Проблема переводимости-непереводимости в истории перевода

هدف کلی

آشنایی دانشجو با سیر تحول رویکردهای مرتبط با ترجمه و نظریه‌ها و استدلال‌های مؤثر بر روند گذار از رویکرد ترجمه‌ناپذیری مطلق به ترجمه‌پذیری نسبی. رابطه بین انسان، اندیشه، واقعیت و زبان از دیرباز و عهد باستان موضوع بحث و نظریه‌پردازی اندیشمندان بوده است و پاسخ به این پرسش که سهم یا نقش زبان در درک جهان چه اندازه است پای «ترجمه» را به این مباحث بازگشایی است. پاسخ به این پرسش نقشی مهم در بحث‌های مرتبط با ترجمه‌پذیری و ترجمه‌ناپذیری داشته است. این مباحث مدت‌ها در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی، فلسفه و مطالعات ترجمه مطرح بوده‌اند و در قرن بیستم، به ویژه با ظهور نظریه‌های جدید در زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه، به اوج خود رسیده‌اند. ایلوشکینا^۱ (۲۰۱۵) در خصوص دامنه موضوع‌های تحت بررسی علم مطالعات ترجمه می‌نویسد:

Исследуя перевод как особый вид речевой коммуникации, теория перевода не ограничивается анализом его языкового механизма, ведь перевод – это не только взаимодействие языков, но и взаимодействие культур (Илюшкина, 2015, p. 8).

^۱ Илюшкина

با وجود اینکه علم مطالعات ترجمه، ترجمه را به عنوان یکی از اشکال ارتباط کلامی بررسی و مطالعه می‌کند، دامنه فعالیت آن صرفاً به تحلیل این فرایند محدود نمی‌شود، زیرا ترجمه فقط ارتباط فی‌مابین زبان‌ها نیست، بلکه ارتباط متقابل فرهنگ‌ها نیز هست.

با در نظر گرفتن این نکات در تاریخ مطالعات ترجمه، سه رویکرد نسبت به ترجمه وجود داشته‌اند که در ادامه به اختصار مبانی فکری آنها را بررسی خواهیم کرد:

1- концепция полной непереводимости

Сторонники концепции **непереводимости** утверждают, что язык является не орудием мысли, но его определяющим средством. Каждый язык содержит уникальную картину мира, определяющую мировосприятие говорящих на этом языке. Ярким представителем идеи непереводимости был В. фон Гумбольдта. Так как каждый из языков выражает «дух» народа, к переводу предъявляются два несовместимых требования: придерживаться языка и культуры оригинала и одновременно придерживаться языка и культуры перевода. Это обстоятельство, по мнению Гумбольдта, делает невозможным достижение эквивалентности в переводе (Преснякова, 2015). Другая концепция о непереводимости основывается на гипотезе лингвистической относительности, выдвинутой Б. Уорфом и Э. Сепиром. Согласно гипотезе «языковой относительности» (Звегинцев, 1960), процессы восприятия и мышления человека обусловлены категориями данного языка. То, что выражено на одном языке, не может быть передано средствами другого языка.

۱ - ترجمه‌ناپذیری مطلق

طرفداران نظریه ترجمه‌ناپذیری مطلق بر این باور بوده‌اند که زبان ابزار تفکر نیست، بلکه تعیین‌کننده تفکر است. هر زبان در برابر خود یک تصویر جهانی منحصر به فرد دارد که تعیین‌کننده نگرش و جهان‌بینی گویشوران آن زبان است. مشهورترین چهره طرفدار این نظریه ویلهلم فون هومبولت بوده است. به اعتقاد هومبولت، دستیابی به معادل ترجمه‌ای غیرممکن است، زیرا هر زبانی مشخصه‌های قومی و ملی، یا به عبارت دیگر، روح همان ملت را منعکس و بیان می‌کند و از طرفی، همواره دو انتظار ناسازگار از ترجمه وجود دارد: پایبندی به زبان و فرهنگ زبان مبدأ و در عین حال، پایبندی به زبان و فرهنگ زبان مقصد (پریسنیکوا، ۲۰۱۵). دیگر

استدلال مشهور طرفداران این نظریه استناد به فرضیهٔ سایپر-وورف به نام فرضیهٔ «نسبیت زبانی» است. نسبیت زبانی (زویگینتسف، ۱۹۶۰) این ایده را مطرح می‌کند که تفکر تابع مقوله‌های زبانی است و هر آنچه توسط یک زبان بیان می‌شود لزوماً نمی‌تواند با ابزارهای یک زبان دیگر بیان شود.

در کل، می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که طرفداران ترجمه‌ناپذیری مطلق با استناد به تفاوت‌های عمیق زبان‌های مختلف، موضوع ارتباط عمیق (و از نظر برخی مطلق) زبان و تفکر و بیان مفاهیم فرهنگی در قالب‌های زبانی منحصر به فرد و تفاوت برش‌های زبان‌های مختلف از مقوله‌های جهان (هر زبان تصویری متفاوت از واقعیات جهان خارج به دست می‌دهد)، معتقد بودند آنچه به یک زبان بیان شده است نمی‌تواند به زبان دیگر برگردانده شود.

2- концепция полной переводимости или всепереводимости
Теории непереводимости был противопоставлен принцип **абсолютной переводимости**, возникший во время эпохи Просвещения (Слово – от Бога, язык изначально рассматривался как универсальная сущность). Данный принцип подразумевал, что все языки представляют собой вариации некоторого универсального языка и для возможности перевода достаточно общности понятий. Теория всепереводимости является противоположной крайностью перевода, которая проявляет недооценивание роли языка из-за чрезмерного обобщения. В основе этой теории лежит представление о том, что реальность для всех людей едина. В языке каждого народа можно найти обозначения для общих явлений действительности. Принцип абсолютной переводимости был особенно популярен среди сторонников дословного перевода (П. Вяземский, А. Фет, Е. Ланн), которые верили в возможность полного воспроизведения оригинала. Сторонники всепереводимости придерживаются мысли, что всё, что может быть сказано на одном языке, может быть выражено и на другом языке. Этот принцип нашёл своё отражение и развитие в теории универсалий Н.Хомского. Американский лингвист Н.Хомский выдвинул гипотезу «порождающей грамматики», согласно которой человек, вне зависимости от того, на каком языке он говорит, руководствуется некоторыми универсальными правилами, принадлежащими глубинному уровню языка (ядерные структуры).

۲- ترجمه‌پذیری مطلق

در مقابل اصل ترجمه‌ناپذیری مطلق، اصل ترجمه‌پذیری مطلق مطرح شد که در عصر روشنگری به وجود آمد. استناد این اصل بر این باور بود که تمام زبان‌ها گونه‌هایی از یک زبان جهانی یا یونیورسال هستند (در آغاز کلمه بود. کلمه خدا بود)^۱ و تنها شرط لازم برای محقق شدن ترجمه اشتراک مفاهیم است. این اصل، سویی مخالف اصل ترجمه‌ناپذیری مطلق است که در آن، به دلیل تعمیم بیش از اندازه، نقش چندان مهمی برای زبان در فرایند شناخت در نظر گرفته نشده بود. طرفداران این اصل با استناد به این استدلال که همه انسان‌ها تصویری واحد نسبت به واقعیات جهان پیرامون دارند و در تمام زبان‌ها می‌توان کلماتی برای پدیده‌های عام جهان پیدا کرد، معتقد هستند هر چیزی قابل ترجمه است. این اصل بیشتر در میان طرفداران ترجمه تحت‌اللفظی مقبولیت یافت که معتقد بودند متن اصلی به صورت کامل قابل برگردان است. طرفداران این اصل (ویازمسکی، فیت، لان) باور دارند هر آنچه در یک زبان بیان شده باشد این قابلیت را دارد تا توسط زبانی دیگر نیز بیان شود. بعدها، این اصل اثرگذاری خود را بر شکل‌گیری دستور جهانی نوآم چامسکی نشان داد. نوآم چامسکی با مطرح کردن «دستور زایشی» این ایده را مطرح کرد که به صورت فطری برخی قواعد عام که به لایه‌های عمیق (ژرف ساخت) زبان تعلق دارند در ذهن همه انسان‌ها، صرف نظر از اینکه به چه زبانی صحبت می‌کنند، وجود دارد.

در کل، می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد که طرفداران ترجمه‌پذیری مطلق، با استناد به همگانی‌های زبانی و یافته‌های دستور زایشی-گشتاری، این باور را داشته‌اند که هر آنچه قابلیت این را یافته است تا به یک زبان بیان شود، به زبان دیگر نیز قابل ترجمه است. انتقادات زیادی نیز به اصل ترجمه‌پذیری مطلق وارد شد، از جمله اینکه: ۱- تعمیم بیش از حد مفهوم «زبان جهانی» یا «یونیورسال» یک ایده بسیار ساده‌انگارانه و فاقد پشتوانه علمی قوی است. زبان‌ها، هرچند دارای ساختارهایی مشترک هستند، در عین حال، تفاوت‌های ساختاری و معنایی بسیار زیادی نیز دارند که این تفاوت‌ها ناشی از تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جوامع هستند؛ ۲- صرف وجود مفاهیم مشترک بین زبان‌ها به

۱ آیه آغازین انجیل یوحنا

معنای امکان ترجمه برابر و کامل نیست؛ ۳- اگرچه دستور زایشی چامسکی به وجود ساختارهای مشترک در زبان‌های مختلف اشاره دارد، این ساختارها بیشتر به جنبه‌های نحوی زبان مربوط می‌شوند تا جنبه‌های معنایی و فرهنگی؛ بنابراین، وجود ساختارهای نحوی مشترک به تنهایی نمی‌تواند تضمین‌کننده امکان ترجمه کامل و دقیق باشد؛ ۴- ترجمه تحت‌اللفظی به دلیل نادیده گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و معنایی زبان‌ها، معمولاً به ترجمه‌های نادرست و بی‌معنا منجر می‌شود؛ از این رو، این نوع ترجمه فقط در موارد بسیار محدود و در متن‌های بسیار ساده قابل اجراست.

3- концепция неполной переводимости

Теория **относительной переводимости** была предложена В. Коллером. Доказательством относительной перевода стали достижения переводчиков в развитии связей между народами с одной стороны и с другой стороны, утверждение о том, что не вся информация исходного текста передаётся в процессе коммуникации и всегда возможно потеря какой-то части исходного текста в силу ряда причин, как например: неодинаковое дробление действительности в разных языках, существование этнографических лакун, игра слов, варваризмы, формалистические трюки автора оригинала и т.п. Утрата каких-то элементов переводимого текста при переводе не означает, что этот текст непереводим. Невозможность воспроизвести в переводе какую-то особенность оригинала — это лишь частное проявление общего принципа неждественности содержания двух текстов на разных языках. Отсутствие тождественности отнюдь не мешает переводу выполнять те же коммуникативные функции, для выполнения которых был создан текст оригинала.

۳- ترجمه‌پذیری نسبی

اصل ترجمه‌پذیری نسبی برای اولین بار توسط ورنر گلمر مطرح شد. موفقیت مترجمان در برقراری ارتباط بین اقوام و ملل مختلف از یک سو و بارز بودن این نکته که تمام اطلاعات متن مبدأ (مانند معنا، سبک، لحن، و بافت فرهنگی) در جریان ترجمه منتقل نخواهد شد و هدررفت بخشی از معنا یا بار اطلاعاتی به دلایلی همچون برش‌های متفاوت زبان‌های مختلف از پدیده‌های جهان خارج، خلأهای واژگانی، بازی با کلمات، واژگان غیراستاندارد، شگردهای خلاقانه نویسندگان در کاربرد واژگان و مانند آنها اتفاقی غیرمعمول نیست، دیدگاه‌ها را به

سمت ایده ترجمه‌پذیری نسبی سوق داد. از دست رفتن برخی از عناصر متن مبدأ در حین ترجمه به این معنا نیست که آن متن غیرقابل ترجمه است. ناتوانی در بازتولید برخی از ویژگی‌های متن مبدأ در جریان ترجمه صرفاً نشانگر اصل ناهمسانی محتوای دو متن مبدأ و مقصد در موارد جزئی است و این ناهمسانی به هیچ وجه ناقض تحقق عملکردهای ارتباطی متن مبدأ نیست.

Дж. Кэтфорд выделять два вида непереводимости: лингвистическую и культурную. Лингвистическая непереводимость — это «невозможность найти эквивалент в ПЯ только из-за различий между ПЯ и ИЯ» (игра слов, многозначность, двусмысленность). Культурная непереводимость наблюдается, «когда какая-либо ситуация, функционально релевантная для языка оригинала, полностью отсутствует в культуре языка перевода» (названия некоторых организаций, одежды, еды, абстрактных понятий и др.). Согласно Дж. Кэтфорду, культурная непереводимость является «вариантом» лингвистической непереводимости, так как все примеры культурной непереводимости возникают из-за «невозможности найти эквивалентное сочетание в языке перевода».

کتفورد دو تیپ ترجمه‌ناپذیری را تفکیک کرد: زبانی و فرهنگی. منظور از ترجمه‌ناپذیری زبانی عدم امکان یافتن معادل در زبان مقصد به دلیل تفاوت‌های بین زبان مقصد و زبان مبدأ است (مواردی همچون: بازی با کلمات، چندمعنایی، ابهام) و ترجمه‌ناپذیری فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که موقعیتی که از نظر عملکرد برای زبان مبدأ مهم است مطلقاً در فرهنگ زبان مقصد وجود نداشته باشد (برای مثال، نام برخی از سازمان‌ها، لباس‌ها، غذاها، مفاهیم انتزاعی و غیره). به نظر کتفورد، ترجمه‌ناپذیری فرهنگی خود نوعی ترجمه‌ناپذیری زبانی است، زیرا تمام موارد مرتبط با ترجمه‌ناپذیری فرهنگی به دلیل عدم امکان یافتن معادل در زبان مقصد به وجود می‌آیند.

ترجمه‌ناپذیری زبانی به دلیل تفاوت‌های بین زبان مبدأ و مقصد در سطح واژگان و دستور زبان رخ می‌دهد. به عنوان نمونه‌ای از ترجمه‌ناپذیری فرهنگی و زبانی در سطح واژگان، می‌توان به واژه полуземлянка یا صفت рекордный اشاره کرد. полуземлянка در زبان روسی به نوعی خاص از پناهگاه مسکونی اطلاق می‌شود که بخشی مشخص از آن زیر